



هدایت در قرآن

انسان همواره پرسش‌هایی درباره هستی و راز **آفرینش** با خود داشته و پیوسته در تلاش بوده است تا پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای برای آن بیابد، سؤال‌هایی از قبیل آن که از کجا آمده چرا آمده و به کجا می‌رود؟

فهرست مندرجات

- ۱ - پی‌بردن به راز هستی
 - ۱.۱ - مقصود از بهبود بخشیدن سینه‌ها
- ۲ - تعلیم انسان
 - ۳ - نوآوری‌های قرآن در جهت هدایت
 - ۳.۱ - معارف و احکام
 - ۴ - امتیاز مبانی تشریعت و حیانی
 - ۴.۱ - نقص قوانین وضعیه
 - ۴.۲ - منت الهی بر مومنان
 - ۵ - صفت جمال و جلال الهی
 - ۵.۱ - گوشه‌ای از صفت برجسته الهی
 - ۵.۲ - توصیف خداوند در تورات
 - ۶ - قداست مقام انبیا
 - ۷ - جامعیت احکام اسلامی
 - ۷.۱ - عبادات اسلام
 - ۷.۲ - هدف عبادات
 - ۷.۳ - عبادات در آیین‌های کهن
 - ۷.۴ - راهی بخشیدن از تیرگی درون
 - ۸ - تعادل در ابعاد وجود انسان
 - ۹ - ویژگی عبادت در اسلام
 - ۱۰ - دین زنده الهی
 - ۱۱ - پانویس
 - ۱۲ - منبع

پی‌بردن به راز هستی

کوشش‌های او برای یافتن پاسخ‌هایی در این زمینه، مجموعه مسایل فلسفی را تشکیل می‌دهد که **هدف** آن‌ها پی‌بردن به **راز** هستی است. ولی آیا این کوشش‌ها به پاسخ قانع‌کننده‌ای رسیده است و تمامی جوانب این پرسش‌ها روشن شده است، یا آن که زوایای تاریک هم چنان در مسایل و مباحث انجام شده وجود دارد؟ در این باره **قرآن** می‌فرماید: و ما اوتینم من العلم الاقلیلا؛

[۱] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸۵.

هر آن چه از دانش به دست آورده‌اید اندکی بیش نیست».

دین، آن گونه که **قرآن** عرضه کرده، پاسخ تمامی این مسایل را به گونه کافی وافی داده است. با تعمق در آن چه قرآن عرضه کرده، **انحراف** اندیشه‌ها تعدیل می‌شود و راه‌های نیمه رفته تکمیل می‌گردد. یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة للمؤمنین؛

[۲] یونس/سوره ۱۰، آیه ۵۷.

ای مردم! **پند** و اندرزی از جانب خداوند به شما داده شده است که مایه بهبودی و **آرامش** خاطر تن می‌باشد و **رحمت** و هدایتی برای **مؤمنان** است».

← مقصود از بهبود بخشیدن سینه‌ها

مقصود از بهبود بخشیدن سینه‌ها، رها ساختن **انسان** از رنجی است که در راه یافتن گمشده خود، در درون خود احساس می‌کند، زیرا بیانات و حیانی بهترین درمانی است که **این** درد و رنج‌ها را بهبودی می‌بخشد.

و ربك الاكرم. الذى علم بالقلم. علم الانسان ما لم يعلم.

[۱۲] علق/سوره ۹۶، آیه ۵-۳.

این اولین آیاتی است که بر **پیامبر** گرامی نازل گردیده و مساله **تعلیم** انسان را مطرح ساخته است. البته تعلیم آن چه را که انسان در پی تعلم آن بوده است و **فطرت** و نهاد آدمی درخواست یافتن آن را داشته است. لذا می‌فرماید: و اتاكم من كل ما سالتموه؛

[۱۳] ابراهيم/سوره ۱۴، آیه ۳۴.

آن چه را که (در نهاد خود جویای آن بودید و) درخواست (**دست** یافتن به آن را) داشتید، (خداوند) به شما ارزانی داشت.

نوآوری‌های قرآن در جهت هدایت

لذا قرآن، چیزی را بر انسان عرضه داشته که خود جویای آن بوده و نتوانسته به خوبی و روشنی به آن راه یابد، این خود دلیل **اعجاز** قرآن است. اگر این لطف و عنایت نبود، انسان هرگز به مقصود خویش دست نمی‌یافت و **اندیشه** کوتاه بشری به این روشنی و گستردگی، به مطلوب خود نمی‌رسید. در ذیل به برخی نوآوری‌های قرآن در جهت هدایت و تکامل انسان اشاره می‌شود.

← معارف و احکام

نوآوری‌های دین در دو بعد **معارف** و **احکام** است. معارف عرضه شده توسط قرآن در جای گاه بلندی قرار دارد و از هر گونه آلودگی و وهم پلک و از خرافات به دور است. از بعد احکام نیز علاوه بر جامع و کامل بودن، از گرایش‌های انحرافی میرا و خالص است. بشریت از دیر باز در مساله شناخت دست خوش اوهام و خرافات بوده است، از بدوی‌ترین قیابل تا متمن‌ترین جوامع بشری آن روز، باورهایی از **جهان** هستی و مبدا آفرینش و **تقدیر** و **تبدیل** داشتند، که با حقیقت فاصله زیادی داشت و به تصوراتی **خیال** گونه می‌مانست. با داشتن چنین شناختی، **بشر** آن **روز** هرگز نمی‌دانست از کجا آمده و چرا آمده و به کجا می‌رود. **انبیا** با آن که جواب این پرسش‌ها را داده بودند، ولی **گفتار** انبیا با گذشت **زمان** دست خوش تحول و **تحریف** گردیده بود، تا آن که قرآن مجید از نو پاسخ‌های روشن و قطعی در تمامی این زمینه‌ها ارائه نمود. با مختصر مراجعه به گفته‌ها و نوشته‌های **سلف**، در رابطه با مبدا و **مبدأ** و راز آفرینش و صفت **جمال** و جلال پروردگار و روش و شیوه‌های انبیای عظم و مقایسه آن با آن چه قرآن بیان داشته، این **تفاوت** فلحش به خوبی آشکار می‌گردد. شاید تبیین این تفاوت، برای کسانی که از عادات و رسوم و **عقاید** جاهلیت با خبر باشند چندان مشکل نباشد. چه در **یونان** که مرکز دانش و بینش جهان آن روز به شمار می‌رفت، چه در جزیره العرب که دور افتادترین جوامع بشری به حساب می‌آمد، حتی با مراجعه به **کتاب** عهدین که رایج‌ترین نوشته‌های دینی آن دوران شناخته می‌شد، این تفاوت آشکار می‌گردد. بررسی‌ها در این زمینه بسیار است و نیازی به تکرار نیست، نمونه‌هایی از آن را در ادامه می‌آوریم.

امتیاز مبانی تشریعت و حیانی

در باره تشریع احکام و قوانین حاکم بر نظام **حیات** اجتماعی، مبانی تشریعت و حیانی دارای دو امتیاز است که در دیگر تشریعت وضعی (بشری) وجود ندارد، یکمتر رعایت شده است. اول: میرا بودن از هر گونه گرایش‌های منحرف کننده که ممکن است در **قوانین** وضعیه تاثیرگذار باشد. **تجربه** نشان داده که این امکان، در اکثریت قوانین وضع شده بر دست انسان‌ها، تحقق یافته است. حتی انسان‌های بزرگ، هر چند سعی در پرهیز از گرایش‌های قومی، نژادی، منطقه‌ای، گروهی و صنفی نموده‌اند، باز ناخود آگاه لغزیده‌اند. امروزه، بشریت از ناهنجاری این گونه قوانین وضعی، چه در سطح بین‌المللی و چه در محدوده‌های خاص، هنوز رنج می‌برد. دوم: رعایت سه بعد در **حیات** انسان، که لازمه زندگی اجتماعی وی در این جهان است: رابطه وی با شئون فردی و شخصی خود، رابطه وی با جامعه‌ای که در پوشش آن قرار گرفته، رابطه وی با خدا و آفریدگار وی. که در همین راستا اخلاق، معنویت و **کرامت** انسانی مطرح می‌شود.

← نقش قوانین وضعیه

قوانین وضعیه، تنها شئون فردی و اجتماعی را جهت بخشیده و حتی در بعد اول کمتر توجه نموده، بیش‌تر **همت** را در بعد دوم به کار انداخته است. ولی از بعد سوم، یعنی رابطه با پروردگار، به کلی **غفلت** ورزیده است. در حالی که همین بعد سوم است که به حیات انسان درخشش می‌دهد و او را کاملاً متعادل می‌سازد و از صورت بهیمیت -انحصار در محدوده نیازهای جسمانی- به دور آورده، به انسان چهره ملکوتی می‌بخشد.

← منت الهی بر مومنان

اسلام، در باره شئون **خاص** افراد وظایفی مقرر داشته که آدمی را در پندار و گفتار و رفتار متعادل می‌سازد، و نیز در تامین مصالح همگانی و تضمین گسترش **عدالت** اجتماعی می‌کوشد تا جامعه‌ای سالم و سعادت بخش فراهم نماید، تا هر فرد به **حقوق** طبیعی و مشروع خود به آسانی دست یابد. علاوه بر این دو جهت، انسان را به علو شرف و بلندای کرامت خویش آشنایی کند، جای گاه و **اخلاق** و معنویت را در زندگی به او نشان می‌دهد، تا او را از **سقوط** در حضیض -ذلت نادانی‌ها و وابستگی‌های **پست** نگاه دارد و به اوج **عزت** و رفعت بالا برد. اسلام، احکام و قوانین تشریعی خود را بر همین سه جهت بنیان نهاده، تا و تفکرنا بنی آدم

[۱۴] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۷۰.

را تحقق بخشد، ودایعی را که در نهاد او قرار داده

[۱۵] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۷۲.

ظاهر سازد و از حالت استعداد به صورت فعلیت در آورد و از این راه منصب **خلافت** الهی را که به او عطا کرده، جامه **عمل** ببوشاند. لذا خداوند بر انسان منت نهاد که او را این چنین به شریعت خود مفتخر نمود و او را به این زیور گران قدر آراست.

لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم ينلو عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفى ضلال مبين؛

[۱۶] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۴.

خداوند منت (بزرگی) بر مؤمنین نهاد که پیامبری از میان خودشان برگزید، تا **آیلت** و نشانه‌های خود را بر آنان بنمایاند، آنان را از درون پاکیزه سازد و **کتلب** (تعالیم شریعت) را به آنان بیاموزد و ببینشی در درون آنان بیافروزد (تأقیق بر ایشان آشکار شود) گر چه پیش از این سخت در گم راهی بودند».

صفات جمل و جلال الهی

اینک به اختصار، به نمونه‌هایی از اعجاز هدایتی قرآن در دو بعد معارف و احکام می‌پردازیم:

قرآن خدا را با بهترین وجهی وصف نموده، او را مجمع صفات کمال معرفی کرده و از هر زشتی و صفت ناپسندی میرا و منزّه دانسته است. در **پایان سوره حشر** می‌خوانیم: هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن الرحیم. هو الله الذی لا اله الا هو الملک القنوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون. هو الله الخالق الباری ء المصور له الاسماء الحسنی یسیح له ما فی السماوات والارض و هو العزیز الحکیم؛

[۱] **حشر/سوره ۵۹، آیه ۲۴-۲۳.**

او خدایی است که جز او خدایی نیست. به هر چه پنهان و **آشکار** است آگاهی دارد. مهر او فراگیر و تمامی جهان هستی را چه در اصل وجود و چه در تداوم آن فرا گرفته و این مهر با **عنایت** خاصی بندگان صالح **خدا** را شامل شده است. او خدایی است که جز او خدایی نیست. فرمان روایی است که از هر گونه پستی و فرومایگی به دور است. پرتو رحمت او همگان را سلامت و سعادت بخشیده است. آرامش بخش جهانیان است و همگی در سایه رفت او آرمیده‌اند.

← گوشه‌ای از صفات برجسته الهی

قدرت و شوکت و هیمنت او فراگیر است و بر هر که و هر چیز پیروز و توان مندمی باشد و برتر از همه است. منزّه است چنین خدایی از هر گونه **شریک** و انبازی که برای او پنداشته‌اند. او آفریننده و سازنده و صورت بخش همه موجودات است. بهترین نام‌ها و نشانه‌های نیک مخصوص او است. هر آن چه در آسمان‌ها و **زمین** است تسبیح‌گوی او است و همگان او را می‌ستایند. او است که هر چه بخواهد انجام می‌دهد و هر چه انجام می‌دهد از مقام **حکمت** او برخاسته است. بدین سن هیچ چیزی سد راه او نمی‌گردد، خواسته‌های او جملگی وفق حکمت و بینش حکیمانه او انجام می‌گیرد. این گوشه‌ای از صفات برجسته الهی است که قرآن خدا را بدان ستوده است.

← توصیف خداوند در تورات

ولی آیا در **کتب** دیگر یا اندیشه‌های دیگران، چنین وصفی از خدای متعال آمده، یابر عکس او را به گونه‌ای وصف کرده‌اند که هرگز شایسته مقام **الوهیت حق** تعالی نیست؟! در **تورات** کنونی که کهن‌ترین کتب دینی به شمار می‌رود و پندار آن می‌رود که معارف خود را از وحی آسمانی گرفته، می‌بینیم که خدا به گونه‌ای ناپسند وصف شده که خرد آن را نمی‌پذیرد. در **داستان آدم و حوا** چنین نوشته که خداوند آدم را از آن جهت از خوردن شجره منهی، منع نمود تا مبدا دارای **عقل** و شعور گردد، سپس او را از **بهشت** بیرون راند تا مبدا از **درخت** حیلت جاویدان، نیز بخورد و همانند خداوند زندگی جاودانی یابد.

[۱] **بلب سوم سفر پیدایش-عهد عتیق، شماره ۱-۱۲.**

یا این که خداوند در پی آدم آمده بود و آدم در **بهشت** درختان پنهان شده بود، خداوند نمی‌دانست آدم کجا است و او رامی خواند تا خود را نشان دهد.

در داستان ساختن شهر **بابل**، خداوند بیم آن داشت که انسان‌ها اگر گرد هم آیند، نیروی متشکلی را به وجود می‌آورند، آن گاه خطری متوجه ربوبیت خداوندی خواهد بود، لذا به **جبرئیل** دستور فرمود تا تجمع آنان را از هم بپاشد.

[۱] **بلب یازده سفر پیدایش، شماره ۲۴-۲۲.**

از آن که بگزیم، در اسطورهای یونانی **قذیم**، ترسیمی از خداوند جهان ارائه داده‌اند، که انواع خدایان کوچک و بزرگ (آلهه) را در پی داشته است. گوشه‌ای از آن را که صرفا خرافه می‌ماند-تاریخ نویس معروف ویل دورانت، در کتب تاریخ تمدن آورده است.

[۱] **تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۱۹۷ به بعد.**

[۲] **قصه الحضارة، ج ۶، ص ۳۴۷-۳۱۷.**

[۳] **التمهید، ج ۶، ص ۲۶۲-۲۵۸.**

قداست مقام انبیا

قرآن، انبیای عظام الهی را در والاترین مقام قداست قرار داده، سر آمد بندگان خالص حق تعالی شمرده است. اینان نخبگان و برگزیدگان خلاق به شمار می‌روند.

ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین؛

[۱] **آل عمران/سوره ۳، آیه ۳۳.**

خداوند، **آدم** و **نوح** و آل ابراهیم و **آل عمران** را بر جهانیان برگزید».

در **سوره انعام** (آیه‌های ۸۷-۸۴)

[۱] **انعام/سوره ۶، آیه ۸۷-۸۴.**

پس از آن که از پیامبرانی مانند **اسحاق** و **یعقوب**، **نوح**، **داود** و **سلیمان** و **ایوب**، **یوسف** و **موسی** و **هارون** و **زکریا** و **یحیی** و **عیسی** و **الیس** و **اسماعیل** و **یسع** و **یونس** و **لوط**، و پدران و فرزندان و برادران آنان یاد می‌کند، آنان را به محسنین، و صالحین، وصف می‌کند، که آنان را بر جهانیان برتری داده و به راه راست هدایت نموده است.

در آیات و سوره‌های دیگر با بهترین وصفی آنان را ستوده است که با مختصر مراجعه به **قرآن کریم** این ستایش والا به خوبی آشکار می‌شود.

این گونه تعبیرها در مورد پیامبران و اولیای الهی مخصوص قرآن است. در سایر متون تعبیرات ناروا در این زمینه زیاد به چشم می‌خورد. درباره **حضرت نوح** نوشته‌اند شراب خوار مستی بود که از شدت بیهوشی برهنه و مکشوف العوره درمیلن **چادر** افتاده بود.

[۱] **سفر پیدایش، بلب ۹، شماره ۲۴-۱۸.**

درباره **حضرت ابراهیم** نوشته‌اند که هم سر خود را به **دروغ خواهر** معرفی کرد تا جان و مال خود را حفظ نماید.

[۱] **سفر پیدایش، بلب ۱۲.**

در صورتی که **هلیز** در آن هنگام در سنین بالایا عمر خویش در حدود هفتاد سالگی بود و جای واهمه نبودکه فردی غیور مانند **حضرت ابراهیم**، **ناموس** خود را فدای جان و مال خود کند.

درباره **حضرت لوط** گفته‌اند که در حال مستی با دخترانش در آمیخت و آنان را آبستن نمود.

[۱] **سفر پیدایش، بلب ۱۹.**

در باره **حضرت یعقوب** که با خداوند کشتی گرفت و بر او چیره گشت و نبوت از او بستاد.
[۱۹۱] سفر پیدایش، بلب ۳۲، شماره ۲۹-۲۲.

هم چنین نوشته‌اند که ودایع نبوت را از پدرش اسحاق با تزویر در ربود.
[۲۰۱] سفر پیدایش، بلب ۲۷.

داستان عجل **بنی اسرائیل** و ساختن آن را به **هارون** نسبت داده‌اند.
[۲۱۱] سفر خروج، بلب ۳۲.

هم چنین افسانه داوود و اوریا که هم سر او را با ترفند شرم آوری از دستش ربود.
[۲۲۱] صمونیل دوم، بلب ۱۱.

از این قبیل داستان‌های افسانه آمیز در کتب عهدین فراوان است که در این جا مجالی بیش از اشاره نبود.

جامعیت احکام اسلامی

اسلام در بعد تشریع **احکام** از جامعیت کاملی برخوردار است، که در هیچ یک از شرایع باقی مانده و نیز تشریعات وضعی، چنین جامعیت و گستردگی به چشم نمی‌خورد.
اسلام-همان گونه که اشارت رفت-در سه بعد عبادات، معاملات و انتظامات، دیدگاه‌های مشخصی دارد و در تمامی جوانب این سه بعد به طور گسترده نظرات خود را ارائه داده، بشریت را برای رسیدن به سعادت حیات (مادی و معنوی) به پیروی از خود فرا خوانده است.

← عبادات اسلام

عبادات اسلام، انسان را به پاکی و صفای درون و می‌دارد، او را از آلائش‌ها پاکیزه نگاه می‌دارد، **روح** را آرامش می‌بخشد و رابطه انسان را با ملکوت اعلا مستحکم می‌سازد و این خود موجب تقویت روح انسان و پاکی و صفای او است. باتامل در اورد و انکار **نماز** و خلوص و توجه **قلب** به سلحت قس الهی، و نیز مقاومت درونی که از **روزه** حاصل می‌گردد، هم چنین با دقت در دیگر ادعیه و **عبادات واجب** و **مستحب**، به ویژه به لحاظ انجام دادن آن‌ها در اماكن مقدسه، تمامی این‌ها حاکی از یک برنامه حساب شده برای پاک سازی و **طهارت** درون انسان و رشد و تکامل او است.

← هدف عبادات

واژه تزکیه با ترکیب‌های مختلف در قرآن فراوان آمده است و **هدف** از تشریع، به ویژه قسمت عبادات را مشخص می‌سازد و نشان می‌دهد که هدف عبادات همن پاکی و صفای درون است.

در **سوره شمس** می‌خوانیم: قد افلح من زکاه؛

[۲۳۱] **شمس/سوره ۹۱، آیه ۹.**

به یقین رستگار است کسی که درون خود را پاکیزه نماید». و هدف بعثت را همین تزکیه» خوانده: یتلو علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم.

[۲۴۱] **بقره/سوره ۲، آیه ۱۲۹.**

پیامبری که نشانه‌ها و آیت الهی را بر مردم برمی شمرد و **تلاوت** می‌کند، شریعت و **احکام الهی** را به آنان می‌آموزد. به آنان بینش می‌دهد و آنان را پاکیزه می‌گرداند.
انسان در درون خود احساس می‌کند که بر فراز هستی، نیروی برتری هست که تمامی هستی‌ها را فرا گرفته و خود را ذره‌ای کوچک می‌بیند که بر روی امواج متلاطم هستی شناور است، آن نیروی برتر و قدرت مند است که او و دیگران ذرات هستی را نگاه داشته، به علاوه همین عجز و ناتوانی او را به سوی کمال و توانایی مطلق رانده، توجه درونی او را به سوی کمال مطلق معطوف داشته است. از این رو از درون خود می‌کوشد تا این میل و رغبت و **عشق** به کمال مطلق را در صورت کلمات و الفاظ (ادعیه و انکار) ابراز دارد، همین است که عبارات سرشار از محبت و سپاس، از درون او می‌جوشد و سیل آسا سرازیر می‌گردد و اگر قصوری در خود احساس کرده درخواست گذشت و **آمرزش** می‌نماید. این چیزی است که انسان از روزی که خود را شناخته با آن خو گرفته و همواره سرشت وجود او با آن هم راز بوده است.

← عبادات در آیین‌های کهن

عبادت‌ها و نیایش‌ها-به شکل‌های گوناگون-صورت‌های تجسد یافته ابراز عواطف درونی او است که بر ملا می‌سازد. هر دین و آیینی به شکلی، قسمتی از نمایش‌های نیایش جوشان انسانی را سر لوحه عملی خود قرار داده است.

در آیین‌های کهن هندوئی و زرتشتی نمونه‌هایی از این گونه نمایش‌های عبادی نیایشی وجود داشته است، گونه‌هایی نیز از نیایش میل جهودان و ترسایان رواج داشته و دارد. اما به نظر می‌رسد که شکل‌های موسوم آمیخته با بسیاری از **خرافات** و بدعت‌های ناروا گردیده است.

این گونه ناهنجاری‌ها در تعلیمات دینی کم کم وسعت یافت و حجیم تر گردید تا آغاز **قرن** هفتم میلاد که **پیامبر اسلام** شریعتی پاک و منزه بر بشریت آن روز عرضه داشت. در این آیین عبادات و ادعیه و انکار حاکی از توحیدی ناب و معنویتی پاک بود. معنویتی که درون‌ها را به کلی از آلائش‌ها و تیرگی‌ها پاکیزه ساخته به آفاقی تابناک هدایت می‌نمود و انسان‌ها که تشنه چنین آب زلال و گوارایی بودند، گمشده خود را در شریعت اسلام یافتند و از جان و دل آن را پذیرفتند.

← رهایی بخشیدن از تیرگی درون

بر پایه تعالیم قرآن کریم، دین نیامده که بر مردم دشواری تکلیف را تحمیل کند، بلکه آمده تا آنان را از بار سنگین تیرگی درون رهایی بخشد.
ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم و لعلکم تشکرون

[۲۵۱] **مائده/سوره ۵، آیه ۶.**

؛ خداوند نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، بلکه می‌خواهد شما را پاک و نعمت خود را بر شما کامل نماید، باشد تا سپس گزار باشید».
هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین؛

[۲۶۱] **جمعه/سوره ۶۲، آیه ۲.**

او (خداوند) از میان مردم جاهل پیامبری از خودشان برگزید، تا **آیت** او را بر آنان بخواند و آنان را پاک سازد و کتب (شریعت حق) را به آنان بیاموزد، و بینش حکمت را در دل آنان

بیافروزد، گرچه پیش از این درگم راهی آشکاری به سر می‌بردند».

این آیه به سه مطلب اساسی اشاره دارد:

۱- **تزکیه** ، پاک سازی درون و آراسته نمودن شخصیت والای انسانیت که در پس پرده کالبد جسمانی او نهفته است.

۲- **تعلیم کتب** ، یعنی شریعت که حاوی نبشته‌های تکلیفی و تشریعی است.

۳- آموزش **حکمت** ، یعنی بینش درونی که مایه آراسته شدن رفتار و کردار انسان می‌باشد و همین بینش درونی غایه الغایت است که آدمی را به اوج کرامت انسانی می‌رساند. یوتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا و ما ینکر الا اولوا الالباب؛

[\[۲۷\] بقره/سور ۲، آیه ۲۶۹.](#)

خداوند هر که را بخواهد (شایسته دید)؛ بینش حکمت را به او ارزانی می‌دارد و هر که این بینش را دریافت نمود، هر آینه بر انباشته‌ای از ارزش‌ها دست یافته، که به این حقیقت جز صاحبان خرد پی نمی‌برند».

تعادل در ابعاد وجود انسان

عبادت در اسلام به گونه پاک و خرد پسند و موافق **فطرت** اصیل انسانی عرضه شده است. در این عبادت نه فقط نیایش شایسته پروردگار و تقرب او به درگاه الهی لحاظ شده، بلکه پاک سازی درون و پالایش نفس نیز مورد عنايت واقع شده، بر آنداین دو گرایش موجب تعادل در ابعاد وجود انسان است.

مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلاة؛

[\[۲۸\] بینه/سور ۹۸، آیه ۵.](#)

بندگان خالص خدا در پیش گاه حضرت حق با درونی پاک و آراسته و از هر گونه آلاشی پیراسته، به نیایش بر می‌خیزند».

ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر؛

[\[۲۹\] عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۴۵.](#)

نماز، آدمی را از ناهنجاری درکردار و رفتار باز می‌دارد و از آن بالاتر، یاد خدا را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد.

حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین؛

[\[۳۰\] بقره/سور ۲، آیه ۲۳.](#)

بر نمازها و (به ویژه) نماز میانه (نیم روزی) مواظبت کنید-که درب رحمت الهی بر روی شما گشوده است-در پیش گاه خداوند با حالت خضوع و خشوع بایستید».

و استعینوا بالصبر و الصلاة و انها لکبيرة الا علی الخاشعین؛

[\[۳۱\] بقره/سور ۲، آیه ۴۵.](#)

از خو گرفتن به مقاومت و نیایش به درگاه ربوبیت کمک بگیر-ید-تا شما را هم واره زنده دل و نشاط افزا نگاه دارد-همانا نیایش پاک و به دور از آلاش باری سنگین است، جز بر کسانی که لذت خشوع و خضوع در پیش گاه الهی را دریافته‌اند».

و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من اللیل، ان الحسنات یذهبن السیئات. ذلک نکرى للذاکرین؛

[\[۳۲\] هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۴.](#)

در دو طرف روز (بامداد و اِپسین) و پاسی از **شب** ، **نماز** را به یادار، که زیبایی‌ها زشتی‌ها را از میان بر می‌دارد. و این یاد آوری است برای کسانی که یاد خدا باشند».

ویژگی عبادت در اسلام

البته این از ویژگی‌های عبادت در اسلام است که نخست درون و سپس برون را پاکیزه می‌گرداند. پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: هر گاه در جلوی خانه‌های شما آبی روان باشد و پیوسته روزی پنج بار در آن **آب** شستشو کنید، آیا دیگر چرکی و آلودگی بر بدن شما باقی می‌ماند؟»

فرمود: نمازهای پنج گانه همانند همان آب جاری است که هرگاه **بنده خالص** خدا نمازی به جا آورد، آلودگی‌های حاصله بر طرف می‌شود».

[\[۳۳\] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲.](#)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: اگر مردم با همان تنکر نخستین به خود واگذار می‌شدند و **شریعت** به دست آنان سپرده می‌شد، بدون یادگیری مجدد که به وسیله پیامبران پی در پی انجام می‌گرفت، هر آینه بر همان حالت نخستین هم راه باآلودگی‌ها باقی می‌ماندند و همین بود که شرایع پیشین فرسوده و از میان رفت. لذا خداوند خواست تا شریعت وی به دست فراموشی سپرده نشود، پیامبر اسلام را بر انگیخت و نمازهای پنج گانه را **واجب** نمود، تا روزانه پنج بار یاد او کنند و نام او را به بزرگی ببرند، تا **دین** و شریعت هیچ گاه به دست فراموشی سپرده نشود».

[\[۳۴\] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹.](#)

[\[۳۵\] فرقان/سور ۲۵، آیه ۷۶-۶۳.](#)

دین زنده الهی

از عبادات که بگزریم، **ایواب معاملات** و در کنار آن **احکام انتظامی اسلام** ، آن اندازه گسترده و فراگیر است که مایه حیرت **دین پژوهان** گردیده است. اصولا شریعتی به این گسترده‌گی که تمامی ابعاد حیات جامعه را زیر دینگاه خود قرار داده باشد و در هر یک نظر داده باشد، همانند شریعت اسلام در دست نیست. یگانه **دین الهی** زنده **جهان** ، اسلام است و بس.

ان الدین عند الله الاسلام...؛

[\[۳۶\] آل عمر ان/سور ۳، آیه ۱۹.](#)

اسلام تنها شریعتی است که نزد **خدا** پذیرفته شده..»

و من ینتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین؛

[\[۳۷\] آل عمر ان/سور ۳، آیه ۸۵.](#)

و هر که جز اسلام آئینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و در نهایت زیان برده است».

پانویس

۱. [↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۸۵.](#)
۲. [↑ یونس/سور ۱۰، آیه ۵۷.](#)
۳. [↑ علق/سور ۹۶، آیه ۳-۵.](#)
۴. [↑ ابراهیم/سور ۱۴، آیه ۳۴.](#)
۵. [↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۷۰.](#)
۶. [↑ احزاب/سور ۳۳، آیه ۷۲.](#)
۷. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۶۴.](#)
۸. [↑ حشر/سور ۵۹، آیه ۲۴-۲۳.](#)
۹. [↑ بلب سوم سفر پیدایش-عهد عتیق، شماره ۱۲-۱.](#)
۱۰. [↑ بلب یازده سفر پیدایش، شماره ۲۴-۲۲.](#)
۱۱. [↑ تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۱۹۷ به بعد.](#)
۱۲. [↑ قصه الحضارة، ج ۶، ص ۳۴۷-۳۱۷.](#)
۱۳. [↑ التمهید، ج ۶، ص ۲۶۲-۲۵۸.](#)
۱۴. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۳۳.](#)
۱۵. [↑ انعام/سور ۶، آیه ۸۷-۸۴.](#)
۱۶. [↑ سفر پیدایش، بلب ۹، شماره ۲۴-۱۸.](#)
۱۷. [↑ سفر پیدایش، بلب ۱۲.](#)
۱۸. [↑ سفر پیدایش، بلب ۱۹.](#)
۱۹. [↑ سفر پیدایش، بلب ۳۲، شماره ۲۹-۲۲.](#)
۲۰. [↑ سفر پیدایش، بلب ۲۷.](#)
۲۱. [↑ سفر خروج، بلب ۳۲.](#)
۲۲. [↑ صموئیل دوم، بلب ۱۱.](#)
۲۳. [↑ شمس/سور ۹۱، آیه ۹.](#)
۲۴. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۲۹.](#)
۲۵. [↑ مائده/سور ۵، آیه ۶.](#)
۲۶. [↑ جمعه/سور ۶۲، آیه ۲.](#)
۲۷. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۶۹.](#)
۲۸. [↑ بینه/سور ۹۸، آیه ۵.](#)
۲۹. [↑ عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۴۵.](#)
۳۰. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۳۸.](#)
۳۱. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۴۵.](#)
۳۲. [↑ هود/سور ۱۱، آیه ۱۱۴.](#)
۳۳. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲.](#)
۳۴. [↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹.](#)
۳۵. [↑ فرقان/سور ۲۵، آیه ۶۳-۷۶.](#)
۳۶. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۹.](#)
۳۷. [↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۸۵.](#)

منبع

علوم قرآنی صفحه ۴۳۱، برگرفته شده از مقاله «قرآن معجزه راهنمایی و هدایت».